

شماره ۱
شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۶



کلمات

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

آغاز فصل سوم

نخستین جشنواره تلویزیونی مستند

نگاهی به فیلم «بودن بدون درد»



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ
عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ
وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا

سپاس خداوندی را
که بر بنده خود این،
کتاب را نازل کرد و
هیچ کجی و انحراف
در آن ننهاد.

قرآن کریم، سوره کهف
آیه نخست





نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | یاسر صدر نژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خان زاده

مدیر هنری:

علیرضا بخشی

با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند

و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی



اعلام اسامی آثار راه یافته به فصل سوم نخستین «جشنواره تلویزیونی مستند»

بخش مستند بلند

«عمواوغلی» به کارگردانی علی جلالی
«آزادی» به کارگردانی رضا فرهمند و
کمیل سهیلی
«بغض هامون» به کارگردانی محسن
شیرزایی
«بوشهر در سوگ» به کارگردانی محمدرضا
خسروی
«چهل هزار فرزند» به کارگردانی نورالله
نصرتی
«هویت مغاک» به کارگردانی سید مهدی
مؤیدلی
«اشترانکوه» (ازقارون تا قالیکوه) به
کارگردانی بهمن ابراهیمی
«شمیم باران» به کارگردانی مصطفی
حسن بیگی و پیروز جابری

بخش مستند نیمه بلند

«آب و جان» به کارگردانی عبدالخالق
طاهری



اسامی تولیدات راه یافته به
فصل سوم نخستین «جشنواره
تلویزیونی مستند» اعلام شد.
به گزارش روابط عمومی جشنواره
تلویزیونی مستند، هیئت انتخاب
نخستین «جشنواره تلویزیونی مستند»
پس از بررسی و بازبینی ۱۴۰ اثر رسیده
به دبیرخانه، ۴۱ فیلم کوتاه، نیمه بلند
و بلند را برای شرکت در این جشنواره
انتخاب کردند.

در این دوره از جشنواره ۸ اثر در بخش
مستند بلند، ۱۶ اثر در بخش مستند
نیمه بلند و ۱۷ اثر در بخش مستند کوتاه
به نمایش درمی آید.

اسامی فیلم های راه یافته به فصل سوم
نخستین «جشنواره تلویزیونی مستند» به
شرح زیر است:

بخش مستند کوتاه

«عادل» به کارگردانی هیمن سپهری
 «بازگرد» به کارگردانی ماریا ماوتی
 «بازگشت» به کارگردانی محمد جواد دهقان
 «بی بی» به کارگردانی ربابه روحی
 «دوراھی» به کارگردانی زهرامحسن زاده
 «دوزلق» به کارگردانی مهسا طاهری
 «گاهی فقط عشق» به کارگردانی احمد صراف یزد
 «جلال به روایت اسالم» به کارگردانی حسن حبیب زاده
 «مادرانه» به کارگردانی علی شهابی نژاد
 «مالکیه» به کارگردانی محمد باقر شاهین
 «نان» به کارگردانی علی دستوان گشایش
 «أُمیدَمَن» به کارگردانی آرمان قلی پور
 دشتکی
 «پدر بلوط» به کارگردانی اعظم مرادی
 «سارو» به کارگردانی محمد عبداللهی
 «سپیده» به کارگردانی عباس سندی
 «وارگه» به کارگردانی فیروز جابری دورکی
 «ده، چهار و نیم، سه و نیم» به کارگردانی مهدی حیدری

«بربلندای صخره‌ها» به کارگردانی روح‌الله محمدقاسمی
 «بازگشت گومورا» به کارگردانی جواد صادقی
 «بذرهای نابودی» به کارگردانی محمد هادی اینانلو
 «بودن بدون درد» به کارگردانی جواد تقوی
 «چله‌کشی» به کارگردانی احمد سید کشمیری
 «دغدغه‌های یک زوج کهنسال» به کارگردانی محسن علیداد
 «دونا زی» به کارگردانی حسن بیات
 «گره‌های ناآرام» به کارگردانی میلاد خالقی منش
 «جام در آفاساید» به کارگردانی فرهاد درودگر
 «خدایچه نیزن و رمه‌هایش» به کارگردانی امیرشکرگزارناوی
 «خوشه‌های انار» به کارگردانی علی پور طلبی
 «نفت سیاه» به کارگردانی علی خسروی
 «رؤیای مسی» به کارگردانی امیدتوتونچی
 «امید در برزخ» به کارگردانی رضا سورانی
 «بگو کجایی» به کارگردانی سعید زارع سهیلی



لابد وقتی جواد تقوی به گذشته نگاه می‌کنه، مثل همه آدم‌ها چیزهایی هست که فراموششون کرده باشه. مثلاً شاید به یاد نداشته باشه که برای پژوهش محتوایی مستندهاش تا کجاها رفته، با کی‌ها صحبت کرده یا چی‌ها خورده. یا مثلاً شاید به یاد نداشته باشه سر تدوین مستندهاش چقدر حرص و جوش خورده.

اما حتماً یه چیز رو یادش می‌مونه. خاطره‌ی روشن و واضح روزی که تلفنش زنگ خورد و یکی از سوژه‌های فیلمش پشت خط بود. زنگ زده بود که ازش تشکر کنه. که بهش بگه هر وقت حس می‌کنه داره جلوی سرطان کم می‌یاره، یه بار صحبت‌های خودش تو اون مستند رو می‌بینه و بلافاصله جون می‌گیره.

این... این از اون چیزهایی نیست که هیچ مستندسازی بتونه فراموشش کنه.

این، پاداش واقعی مستندسازی.



سرطان مرگ و زندگی

جواد تقوی در فیلم بدون درد سعی کرده است نگاه بیماران سرطانی به مرگ را در استان گلستان که روی کمر بند سرطان مری جهان است بررسی کن.

به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند جواد تقوی در گفت و گو با خبرنگار جشنواره درباره فیلم بدون درد گفت:

بودن بدون درد فیلمی است درباره بیماران سرطانی و کسانی که با سرطان سرو کار دارند. سه سوژه اصلی در این فیلم حضور دارند. دو مرد و یک زن که تجربیات خود را در مواجهه با سرطان بازگو میکنند. از زمانی که فهمیده اند مبتلا به سرطان شده اند و اتفاقاتی که برایشان افتاده و راهی که برای مبارزه با سرطان در پیش گرفته اند در این فیلم بیان می شود.



جواد تقوی

نویسنده:

سهیل محمودی

تقوی در مورد روایت قصه در



مستند بودن بدون درد گفت:

گفتار متن این فیلم خاطرات تعداد دیگری از بیماران سرطانی است که خاطرات خود را در فضای اینترنت به اشتراک گذاشته اند و ما آن ها را ندیده ایم اما خاطرات آن ها در فضای فیلم جاری است.

تقوی اضافه کرد: گوینده متن به جای بیماران سرطانی متعدد خاطره حضور سایه‌ی سرطان در زندگی این بیماران را بازگو میکند و در خلال

طبیعتاً میزان مرگ و میر در گلستان به دلیل

سرطان و خصوصاً سرطان مری بسیار بالاست

به همین خاطر این دغدغه برای ما پیش آمد

که این فیلم را در استان گلستان بسازیم



پوستر فیلم
بدون درد

فیلم نیز سه سوزه اصلی فیلم دنبال می‌شوند تا تاثیر سرطان در زندگی آنها و اینکه آن‌ها چگونه با این بیماری کنار آمده اند و نگاه آن‌ها به مرگ و زندگی به زبان تصویر دربیاید.

کارگردان مستند بودن بدون درد در مورد هدفش از ساخت این فیلم در



استان گلستان گفت: گلستان روی
کمر بند سرطان مری جهان قرار دارد و
در سالی که این مستند ساخته شد
ایران سومین کشور مبتلا به سرطان
مری با محوریت استان گلستان بود.
طبیعتاً میزان مرگ و میر در گلستان به
دلیل سرطان و خصوصاً سرطان مری
بسیار بالاست به همین خاطر این
دغدغه برای ما پیش آمد که این فیلم
را در استان گلستان بسازیم.

تقوی اضافه کرد: محور اصلی قصه
در این فیلم نه درمان است و نه برخورد
بقیه با بیمار بلکه محوریت اصلی
قصه نگاه بیمار سرطانی به مرگ است
و جهان بینی این بیماران را بررسی
میکند.

البته متأسفانه امروز هر سه نفری که
در فیلم با ما همکاری داشتند فوت
کرده اند.

مستند بودن بدون درد به کارگردانی
جواد تقوی در صدا سیمای استان
گلستان تولید شده است و در شنبه
۲۲ مهرماه ساعت ۲۰ از شبکه مستند
و در سومین فصل جشنواره تلویزیونی
مستند روی آنتن میرود.





بودن، به از نبودن شدن ...

نگاهی بر مستند «بودن، بدون درد»، کاری از جواد تقوی

نویسنده: رحیم ناطریان

سال، مجبورم کردند بیایم ملاقاتتان! گفت: «هر دو خویشم! تازگی ها هر دو فهمیده ایم که به هم احتیاج داریم!» از کسی که مطالعات فلسفی دارد چنین پاسخی بعید نیست. او در لفافه گفت بیماری، او را بیشتر در مرکز توجه قرار داده. او به هجو بیماری اش پرداخته بود به جای خریدن ترجمه.

و یک بار دیگر به ملاقات دوست دیگری که به سرطان حنجره دچار شده بود رفتم. ملاقات ما دقیقاً ساعتی قبل از برداشتن حنجره، در بیمارستان اتفاق

یک بار به ملاقات دوستی که مدت ها درگیر بیماری عجیبی بود رفتم و البته این دوست به شدت عاشق فلسفه بود و مدرس دانشگاه. طبق معمول چنین دیدارهایی، گفتم: «اوضاع بیماریتان چطور است؟» گفت: این راه طولانی را آمدی که حال مرا بررسی یا حال میکروب ها را؟

و من هم بی رحمانه گفتم «میکروب ها!» چون می دانستم کوششی برای دلخوری ندارد.

گفتم: «همین میکروب ها، بعد از یک





افتاد و این دوست، تخصصش ادبیات داستانی بود. با کافکا زندگی می کرد و رویای ویرجینیا ولف می دید. همه می دانستیم که بعد از عمل جراحی، دیگر صدای او را نخواهیم شنید. اما خودش وقتی داشت آماده مناسک قبل از عمل می شد با لبخند گفت: «هیچوقت بعد شصت سال عمر، به اندازه الان خوشحال نبودم چون بعد از عمل دیگر قرار نیست تا آخر عمر، به صدای کسی جواب پس بدهم. حالا راحت می توانم بنشینم و رمان هایم را بخوانم»

او، از دست دادنِ قدرتِ تکلم راهجو کرده بود، به جای خریدنِ ترحم از دیگران. «بودن بدون درد» مستندی درباره بیماران سرطانی است و در آن از روش مشاهده و توضیح استفاده شده است. مستند ساز با انتخاب چند بیمار خاص، وارد زندگی خصوصی آنها شده و با ترغیب آنها به گفتگو، کاراکترهایش را می سازد. از سویی، «بودن بدون درد» با توجه به کاربرد نریشن، مستندی توضیحی نیز هست. اما رویکردی خلاقانه در استفاده از شکل متن گفتار، تا حدودی بر جداییت اثرافزوده است. نریتور تنها به بیان انشاوار بیماری

سرطان بسنده نمی‌کند بلکه در طول فیلم با استفاده از یادداشت‌های تعدادی از بیماران، گفتار متن شکل می‌گیرد.

اما موضوع مستند «بودن بدون درد» موضوعی حساسیت برانگیز است و با این ادعای توان پذیرفت، کمتر کسی بتواند با موضوعی چنین حساس، رویکردی خارج از عرف اتخاذ کند. جواد تقوی به عنوان کارگردان، همان رویه اخلاقی و آموزشی را در دستور کار قرار داده و بیشتر بر روشهای مبارزه و میل به بیان نقش اراده در مواجهه با چنین بیماری‌هایی، پرداخته است. به عبارتی آنچه قابل پیش بینی است در این فیلم رخ می‌دهد. همواره وقتی سوژه، دارای حساسیت‌های احساسی باشد، چنین چالشی پیش خواهد آمد و قبل از خوانش اثر، این سوال به ذهن می‌رسد که آیا مولف مستندساز، جرات این را دارد، از منظری به غیر از کلیشه‌های رایج در چنین آثاری، به خلق اثر دست بزنند؟ آیا فیلمساز در برابر سوژه‌ای که ماهیتش، مرگ، درد، رنج و مبارزه جانکاه امید و ناامیدی است، همچنان به خلق اثری پاستوریزه‌تن خواهد داد و یا ثرم روایی و محتوایی آثاری چنین ترحم برانگیز را خواهد شکست؟ آیا جنبه



سرطان بیندیشیم و کاری تصویری تولید کنیم. اگر شما موضوع اصلی فیلم تان سرطان است اما در کل فیلم فقط درباره «امید» حرف می‌زنید، دیگر موضوع شما به تنهایی سرطان نیست بلکه شما دارید فیلمی درباره زنده بودن امید در دل بیماران سرطانی می‌سازید. اینگونه است که سرطان به حاشیه می‌رود و امید، بیشتر جلوه می‌کند و وقتی فیلم شما هم از منظر کلام و هم از منظر تصویر در راستای همان کلمه «امید» است، یقیناً لذت کشف و مکاشفه مخاطب را از وی خواهید گرفت. چرا که هیچ چالشی را مطرح نمی‌کنید. به طور مثال همچون ویدیو کلیپ‌های تلویزیونی، متن ترانه از «آزادی» می‌گوید و شما تصویری از پرواز کبوتر می‌بینید. یا مثلاً کلام درباره دریاست و شما ساحلی زیبا را مشاهده می‌کنید. در این حالت، چه مجالی برای تحلیل مخاطب می‌ماند؟ در «بودن بدون درد» آنچه در باب «امید» در دل بیماران خاص بود، مستندسازی بدون هیچ کم و کاستی با صدا و تصویر به مخاطب ارائه کرد و مجالی برای تاویل باقی نگذاشت. به طور مثال کلام امید بخش یک بیمار، به بهبود، با پیچ و

آموزشی که بسیاری از مستندسازان در مواجهه با چنین موضوعاتی به آن پرداخته‌اند، بر فضای اثر تأثیر خواهد گذاشت؟ تصور کنید موضوع اثری هنری، مرگ است. شما می‌توانید مثل عباس کیارستمی از زلزله هولناک رودبار و منجیل فیلم بسازید اما در طول فیلم فقط زندگی و مفهوم عبارت «زندگی ادامه دارد...» را نشانه بروید. یا اینکه شما درباره جنگ و خشونت، تولیدی داشته باشید اما همداستان با موضوع اثرتان، خشونت و مرگ را به شکل عریان نشان دهید. اینجا بحث بر سر کلیشه‌هاست. ممکن است همین پارادوکس‌ها، جنبه زیبایی‌شناسانه‌ای به اثر بدهد. به طور مثال «آلن رنه» در شب و مه، درباره آشوب‌یتس و مایدانک و کوره‌های آدم‌سوزی هیتلری مستندی آرشیوی می‌سازد. گرچه در این فیلم، خشونت به شکلی عریان نشان داده می‌شود اما همچنان روحی شاعرانه بر آن حکم فرماست.

در «بودن بدون درد» موضوع مورد بحث، سرطان است و مستندساز معمول‌ترین نگاه را به آن داشته، یعنی امید. یعنی آنگونه که اخلاق حکم می‌کند درباره

می‌گیرد و یقیناً فیلم مستند فقط و فقط رسالتش اخلاق و آموزش نیست. این مفاهیم جزء جدایی‌ناپذیر اثر مستند به حساب می‌آیند اما یاد دروسااخت و یاد در ژرف ساخت آن. مفاهیم کلیدی متن و اثر، در پسِ پشتِ لایه‌های معنایی، که به واسطهٔ تصویر، پنهان شده‌اند، خود را آرام آرام نمایان می‌کنند و مستندساز با درک سطح آگاهی مخاطب، بخشی از مقولهٔ دریافت را به خود او واگذار می‌کند. «بودن بدون درد» گاهی آنقدر آموزشی می‌شود که شبیه به یک معلم می‌خواهد این بیماری را برای دانش‌آموزان تشریح کند. در همان سکانسی که مشاور درمانی، دربارهٔ بیماری با بیماران صحبت می‌کند و به اصطلاح دارد به آنها امید می‌دهد، می‌توان رسالت چنین آثاری که همان سویهٔ پیام اخلاقی است را به وضوح دید. به عبارتی کلیشه‌ترین شکل بیان موضوع، توسط مستند ساز انتخاب شده و همه چیز قابل پیش‌بینی پیش می‌رود.

اما «بودن بدون درد» در بحث واقع‌نمایی اشخاص و حتی خلق کاراکترهایش به نظر موفق عمل کرده است. همانطور که گفتیم، در چنین

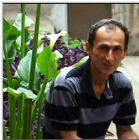
تاب یک برگ پاییزی روی شاخه، و تلاش برای نیافتادن، ادغام می‌شود. از معدود صحنه‌های قابل توجه، پلاتی است که در آن مشاور روانی در حال تشریح نقش امید در مبارزه با سرطان است، اما در بک‌گراند، آن سوی پنجره‌ها، خزان درخت‌ها را

مستندساز تنها به عنوان یک شارح، رنج و
 ● درد بیماران را ثبت کرده و سویه‌ی خلاقانه را
 نادیده انگاشته.

عریان می‌کند. این نگاه استعاری با وجود تک بعدی بودن، همان سویه متناقض و جذاب مستند را می‌سازد، که البته به دلیل تکرار بیش از حد، کارکرد آن نیز کم‌رنگ می‌شود.

در رسالت اجتماعی و فرهنگی سینمای مستند، شاید این نگاه اخلاقی کاملاً صحیح باشد اما از نظر هنر سینما، موجب این تفسیر می‌شود که هنرمند، خرق عادت نکرده و نگاهی متفاوت نداشته است. مستندساز تنها به عنوان یک شارح، رنج و درد بیماران را ثبت کرده و سویه‌ی خلاقانه را نادیده انگاشته.

«بودن بدون درد» گاهی سویه آموزشی



احتمالا مهران
که با مرگ دست
و پنجه نرم می
کند، نمی دانسته
دیالوگی فلسفی از
«هملت شکسپیر»
را به کار برده
است!



می‌کنم:

:- امروز هم گذشت... باز هم بودیم.
پارسال می‌خواستی ببری! اما هنوز هستی!
شاید باز هم باشی! شاید بودی شاید
نبودی. بالاخره بودی! باز بودی! بودن بهتر
از نبودنه!

احتمالا مهران که با مرگ دست و پنجه
نرم می‌کند، نمی‌دانسته دیالوگی فلسفی
از «هملت شکسپیر» را به کار برده است!
هم او و هم هملت، در تقابل مرگ و زندگی
و بودن و نبودن، به فلسفه‌ی هستی‌رو
می‌آورند. «مهران» ناخودآگاه در توصیف
شرایط زندگی‌اش، فلسفه‌ی می‌اندیشد و
انگار سرطان او را از روزمرگی بیرون آورده
است و حالا از زاویه‌ی تازه به جهان

آثاری غالباً می‌توان فرمایشی بودن امید
به زندگی را لمس کرد. اما اینجا آدم‌ها در
عین سادگی، حرف هایشان را می‌زنند
و انگار به چیزی که درباره عدم ترس از
مرگ می‌گویند اعتقاد کامل دارند. در
اینجا انگار سرطان که مواجهه‌ی رخ به رخ
با مرگ است، آدم‌ها را در برابر دو مفهوم
زندگی و مرگ، وادار به اندیشه نموده و شمه
ای از عقایدی فیلسوفانه را به آنها تزریق
می‌کند. به نوعی، این آدم‌ها به مکاشفه‌ی
جهان هستی در زمان و مکان، می‌پردازند
و می‌دانیم که تاریخ فلسفه پراز کنکاش در
همین مفاهیم است.

به بخشی از دیالوگ‌های «مهران» یکی
از افراد بسیار تاثیرگذار این مستند اشاره

به نظرم اگر کل اثر در شکل یک مستند
پرتره، حول محور همین نگاه شبه فلسفی،
قرار می گرفت، از حدود اخلاق گرایی و
آموزش صرف خلاص می شد.

اما درباره پایان بندی «بودن بدون درد»
باید گفت برای چنین مستندی با این
رویکرد مثبت نگر، شکل پایان بسیار قابل
پیش بینی بود. می شد به راحتی حدس
زد که در نهایت یکی از آدمها که از جنگ
با بیماری رهایی یافته، جلوی دوربین
ظاهر شود و پیروزمندانه درونمایه اثر را به رخ
بکشد.

در تایتل فیلم آمده است، «این
مستند تلاشی است برای بازگو کردن
ناگفته های سرطان»، که البته باید
گفت فیلم ناگفته ای را مطرح نکرده
است که اگر منظور از ناگفته ها، همین
امید دادن به بیمار باشد، سابق براین،
ناگفته های علمی و روانی زیادی
درباره این بیماری توسط دانشمندان و
پزشکان گفته شده.

وقتی در سینما از ناگفته ها
می گوئیم، منظور ناگفته هایی است
که علم نتوانسته، یا سیاست نخواسته
به آن پاسخ بدهد.



می نگردد. مفهوم زمان در فراسوی فلسفی
اش، معنا پیدا کرده و مرگ و زندگی در
تفکری پوچ گرایانه یا معناگرایانه، دیگر
هیچ فرقی برایش ندارد و آنچه که به زندگی
اش هویت می بخشد، معنای زندگی
در محدوده ی زمان و لحظه است. هم
او در تایید این استدلال، در جایی دیگر
می گوید:

«بودن با درد یابی درد! بالاخره باز بودن
بهبتر از نبوده! مرگ همین الان می تونه بیاید
سراغ من، چه با درد چه بی درد! من خیلی
خودم رو گرفتارش نمی کنم. بخواد بیاد،
میاد! البته استقبال هم نمی کنم ازش!
ولی وقتی هم اومد، میگم بفرما! بیا یک
چایی باهم بخوریم!»

فستیوال مستند جشنواره تلویزیونی مستند

Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قلاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۲۰:۰۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۲۴:۰۰

کد فیلم «بودن بدون درد» برای
شرکت در مسابقه پیامکی: A1



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید. ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس [@festmostanad](https://www.festmostanad.ir) و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظر سنجی شرکت کنید.